

عادت نوشتنی که ذهنم (و آینده‌ام) را نجات داد

نویسنده: دن کو

تاریخ انتشار: ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۶

ترجمه کامل فارسی

عنوان اصلی

The writing habit that saved my brain (and my future)

اگر نمی‌دانید چه چیزی یاد بگیرید، شروع به نوشتن کنید. حتی اگر نمی‌خواهید "نویسنده" باشید. نوشتن به شما می‌آموزد که چگونه فکر کنید، چگونه هر مهارتی را سریع بیاموزید، و چگونه مخاطبانی را جذب کنید که از کار شما حمایت می‌کنند، که اگر می‌خواهید کسب‌وکار خود را بسازید، یا فقط هر نوع کار خلاقانه/معنادار مستقلی را انجام دهید، کاملاً ضروری است. در عصر هوش مصنوعی، تفکر، یادگیری، و توزیع (به‌دست‌آوردن ارزش خود در مقابل دیگران به‌طوری‌که واقعاً شانس دریافت پول را داشته باشید) مهارت‌های بی‌انتها هستند. نوشتن به شما این امکان را می‌دهد که همه آن‌ها را تمرین کنید و در عین حال اهرم دیجیتال را به عنوان یک محصول جانبی ایجاد کنید. هرگز فکر نمی‌کردم نویسنده شوم. من حتی قسمت را نگاه نمی‌کنم. من یک گوشت گنده بزرگ هستم که عاشق ایده‌های عمیق شدم. با همه معیارها، نوشتن به عنوان یک عادت ساده صبحگاهی، مسیر ذهن و زندگی من را به کلی تغییر داده است. این به من کمک کرد تا افکارم را بیان کنم، ذهنم را آرام کنم، فرصت‌هایی خارج از بازار کار سنتی پیدا کنم و تنها چیزی است که به موفقیت کار و تجارت من دامن می‌زند. در این نامه، من می‌خواهم سیستم خود را برای گرفتن ایده‌ها و نوشتن محتوایی که ارزش خواندن دارد را به شما نشان دهم، اما همچنین می‌خواهم به شما نشان دهم که چرا این مسیر از همیشه قابل‌اجراتر است - و چرا نحوه تعامل مغز شما با واقعیت را تغییر می‌دهد. بله، آنقدر عمیق است. شروع کنیم.

اهرم قدیمی در برابر اهرم جدید: راز موفقیت در دنیای امروز

بزرگ‌ترین اهرم دیگر سرمایه نیست. بزرگ‌ترین اهرم، بنگاهداری است - توانایی اداره‌کردن یک کسب‌وکار عالی. و به ویژه، بزرگ‌ترین اهرم، برند شخصی است. داشتن مخاطب زیاد. به محض اینکه توجه مردم را به شما جلب کردید، این شکل عظیم از اهرم را خواهید داشت.

- دنیل پریستلی

قوانین تولید ثروت اساساً تغییر کرده است. دارایی‌هایی که در عصر صنعتی باعث درآمد می‌شوند (اموال، کارخانه‌ها، ماشین‌آلات، کالاهای فیزیکی) با دارایی‌های دیجیتال (مخاطبان، برند شخصی، IP، محتوا، داده‌ها، نرم‌افزار) جایگزین می‌شوند که ساخت آن‌ها فوق‌العاده ارزان، مقیاس‌پذیرتر، مالیات‌گیری سخت‌تر و حتی وقتی خواب هستید هم ارزششان روی هم انباشته می‌شود. تنها شرط لازم برای ایجاد اهرم برای خود در دنیای امروز، یک ایده خوب و اعتماد به نفس برای ارسال آن در اینترنت است. مشکل و فرصت این است که بیشتر مردم هنوز مشروط به ارزش‌های صنعتی هستند. آن‌ها هنوز هم به نوعی بر این باورند که مدرسه «شغل» «بازنشستگی مطمئن‌ترین، امن‌ترین و مطمئن‌ترین است، در صورتی که نمی‌تواند از حقیقت دورتر باشد. همین امر در مورد ایجاد اهرم و در نتیجه ایجاد ثروت برای آینده شما صادق است. اهرم قدیمی از دارایی‌های فیزیکی و مشهود ناشی می‌شود. خانه، کارخانه، رولکس، ناوگان کامیون، انبار موجودی، طلا. شما آن‌ها را می‌خرید، سپس اجازه می‌دهید قدردانی کنند یا درآمدزایی کنند. اهرم قدیمی خطی و محلی است. یک کارخانه فقط می‌تواند تعداد زیادی واحد در روز تولید کند و یک خانه را فقط می‌توان به یک مستاجر در یک زمان اجاره داد. اشتباه نکنید، اهرم اهرمی است و اهرم قدیمی هنوز یک چیز عالی است. با این حال، دارایی‌های فیزیکی اولین چیزی است که دولت‌ها پیدا می‌کنند، مالیات می‌گیرند و در صورت سقوط دستمزدها تصرف می‌کنند، که احتمال آن امروز بیشتر از دیروز است زیرا هوش مصنوعی می‌تواند به سرعت این کار را انجام دهد و منجر به گسترش شبکه‌های ایمنی اجتماعی توسط دولت‌ها شود. احتمال اینکه دولت‌ها فهرست ایمیل افرادی که شما را می‌شناسند، کتابخانه‌ای از محتوا یا کتاب‌های پرفروش را تصاحب کنند، بسیار کمتر است. اهرم جدید از دارایی‌های نامشهود و دیجیتال می‌آید. مخاطب، برند شخصی، IP، داده، سیستم، نرم‌افزار.

اینها اهرم تازه ثروتمندان هستند. رسانه، داده و کد. محتوا را می‌توان یک بار نوشت و میلیون‌ها نفر آن را دید. نرم افزار را می‌توان یک بار ایجاد کرد و به میلیون‌ها کاربر خدمات رسانی کرد.

برای اکثر مردم، نوشتن در دسترس‌ترین و کاربردی‌ترین شکل اهرم است. شما می‌توانید کدنویسی را یاد بگیرید، اما اگر نتوانید مردم را جذب کنید تا به محصولی که ساخته اید اهمیت دهند، هیچ‌کس از آن استفاده نمی‌کند یا هزینه ای برای آن پرداخت نمی‌کند. نوشتن اهرمی است که سایر اشکال اهرم را باز می‌کند.

شما دارایی‌های دیجیتالی را در ترازنامه نخواهید دید، اما ۹۰ درصد از ارزش S&P ۵۰۰ را نشان می‌دهند. کیم کارداشیان، تیلور سوئیفت، رایان رینولدز، مستر هیولا، ایلان ماسک - همه مخاطبان و برندهای شخصی زیادی دارند. اما احتمالا نمی‌خواهید چیزی نزدیک به سطح شهرت آن‌ها باشد، و این یک چیز عالی است، زیرا برای انجام این کار به میلیون‌ها فالوور نیاز ندارید. با ۶ تا ۱۲ ماه تلاش متمرکز، می‌توانید خود را در یک زندگی کاملاً متفاوت با آنچه اکنون هستید ببابید. من شخصا درآمد را با حدود ۵۰۰۰ فالوور (حدود ۶ ماه بعد) جایگزین کردم زیرا واقعا آن را جدی گرفتم. دوست من رندی، مربی تناسب اندام، با حدود ۱۰۰۰۰ فالوور ماهانه ۱۰۰ هزار دلار درآمد داشت، زیرا روی آموزش سرمایه‌گذاری می‌کرد، بازاریابی و فروش را مطالعه می‌کرد و همه‌چیز را طوری اجرا می‌کرد که گویی زندگی اش به آن بستگی دارد. نکته این است که مردم به شدت به میزان نیاز خود برای برنده شدن دست بالا می‌گیرند، زیرا تنها چیزی که آن‌ها می‌بینند افراد مشهور غیرقابل لمس در جدول زمانی خود هستند. برای همین است که ما آموزش می‌دهیم چگونه آنچه را که می‌خواهید در مورد آن صحبت کنید، پیدا کنید، "انحصار شخصی" خود را ایجاد کنید، و

[محتوای با تاثیر بالا را در بوت‌کمپ ما بنویسید.](#)

هنوز زمان دارید تا به تماس زنده بعدی که در حال انجام آن هستیم بپیوندید. اما مزایای نوشتن بسیار فراتر از آن است.

نوشتن چگونه ذهن و زندگی‌تان را از پایه تغییر می‌دهد

چگونه می‌توانم بدانم چه فکر می‌کنم تا زمانی که آنچه را که می‌گویم ببینم؟

- ای ام فورستر

توضیح دادن آن سخت است... اما عمل نوشتن بسیار عمیق‌تر از قلم روی کاغذ است. این ذهن شما را به دیدن جهان به شیوه ای معنادارتر تغییر می‌دهد. مکالمات به منبع الهام تبدیل می‌شود. افکار شما مملو از ایده هایی می‌شود که برای درک آن‌ها تلاش می‌کنید. شما به جای زندگی بر روی سطح استرس زا، متوجه جزئیات بیشتری در زندگی می‌شوید. از نظر من، ۴ مزیت کلیدی برای نوشتن وجود دارد: ۱) نوشتن دوباره نحوه فکر کردن شما را تغییر می‌دهد مکانیسم اصلی در اینجا خطی بودن اجباری است. این یک روش فانتزی برای گفتن است که می‌توانید احساس کنید چیزی را در ذهن خود می‌فهمید، اما نوشتن شما را مجبور می‌کند آن را در یک جریان واحد جمع کنید. فکر کردن بدون نوشتن مانند قدم زدن در جنگلی است که در آن می‌توانید هر جهتی را ببینید، در حالی که نوشتن خود مانند رانندگی در جاده‌ای است که در میان آشفتگی‌های سرگردان است. شما باید تصمیم بگیرید که به کجا می‌روید، به کدام پیچ می‌روید، می‌خواهید مسیر خوش منظره را طی کنید یا نه، و اگر گم شدید چگونه به عقب برگردید. به عبارت دیگر، نوشتن ابزار تفکر است. این ورزشگاهی است که ذهن شما در آن ساخته شده است. ممکن

است فکر کنید که احساسات، استدلال‌های متقابل، خاطرات یا تشابهات نیمه‌شکل‌گرفته در ذهنتان، و حتی ارزش‌ها و باورهایتان را درک می‌کنید، اما اگر آن‌ها را ننویسید، تقریباً می‌توانم تضمین کنم که متوجه نمی‌شوید. (۲) نوشتن تشخیص الگو را افزایش می‌دهد چند لایه برای این وجود دارد. اولین مورد این است که با نوشتن منظم، یک رکورد خارجی از تفکر خود ایجاد می‌کنید. شما می‌توانید به سرعت به آنچه در گذشته نوشته‌اید به عنوان راهی اشاره کنید یا افکار فعلی خود را بهتر بیان کنید. به شما کمک می‌کند با وضوح فکر کنید. لایه دوم شبیه "چشم عکاس" است. پس از چند سال تمرین جدی، شروع به دیدن فریم‌ها و ترکیب بندی‌ها در زندگی روزمره می‌کنید. جهان یکسان به نظر نمی‌رسد، لایه دیگری از عمق دارد. با نوشتن، متوجه ساختار در یک بحث، یک استعاره در یک لحظه دنیوی، یا قوس روایی متوسط روز خود می‌شوید. نوشتن نوع خاصی از توجه را تربیت می‌کند که در همه چیز جریان دارد. لایه سوم این است که متوجه ایده‌هایی می‌شوید که معمولاً نداشتید. وقتی خبرنامه‌ای برای هفته برنامه ریزی کرده‌ام، یا فقط می‌دانم که امروز باید توییتی بنویسم، طبیعتاً ذهنم به من کمک می‌کند تا ایده‌هایی را که به دستیابی به آن اهداف کمک می‌کند، متوجه شوم. این مفهوم روانشناسی سایبرنتیک است - این که ذهن شما مانند موشکی است که در جستجوی گرما به سمت اهدافش است، و به شما کمک می‌کند تا به ابزارهایی که برای رسیدن به آن‌ها نیاز دارید توجه کنید (مشکل این است که افراد در واقع اهداف آگاهانه‌ای ندارند که به آن‌ها اهمیت می‌دهند، آن‌ها اهداف ناخودآگاهی برای آن‌ها تعیین کرده‌اند، و از آنجایی که مسیر آن‌ها برای آن‌ها برنامه ریزی شده است، مجبور نیستند کارهای زیادی را از دست بدهند، بنابراین آن‌ها به مدرسه می‌روند). (۳) نوشتن به شما کمک می‌کند تا افکار خود را بیان کنید. نه به این دلیل که آن‌ها گنگ هستند، بلکه به این دلیل که هرگز مجبور نشده‌اند فکر را بیرونی کنند و به آن نگاه کنند. نوشتن نه تنها ابزاری برای بهبود ارتباطات - در نتیجه بهبود بیشتر بخش‌های دیگر زندگی شما - است، بلکه ابزاری است برای نشان دادن اینکه آیا واقعاً می‌دانید در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید یا نه. این چیزی است که بیشتر مردم از آن می‌ترسند. آن‌ها نمی‌خواهند مبارزه‌ای را که از انجام کاری معنادار ناشی می‌شود احساس کنند. آن‌ها می‌خواهند آسان باشد. آن‌ها می‌خواهند که همه ایده‌ها بلافاصله به سرشان بیاید. آن‌ها نوشتن را چیزی می‌دانند که همه می‌دانند چگونه باید انجام دهند، بنابراین قدردانی نمی‌کنند که این مهارت مانند هر چیز دیگری است، و برای بهبود آن تلاش می‌کنند. که به مهم‌ترین نکته منتهی می‌شود. (۴) نوشتن به شما کمک می‌کند سریع‌تر یاد بگیرید آینده متعلق به کسانی است که می‌توانند سریع‌تر یاد بگیرند. و متأسفانه اکثر مردم پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان، یادگیری را متوقف می‌کنند و این نشان می‌دهد. برای رسیدن به یک هدف باید یاد بگیرید، بنابراین اگر می‌خواهید به هر هدفی خارج از سه جامعه‌ای که در بدو تولد در سرتان کاشته شده دست یابید، باید خودآموزی کنید و اگر می‌خواهید این روند را تقویت کنید، باید بنویسید. نوشتن هم نوعی آموزش و هم درک است. در یادگیری علم، «اثر محافظ» وجود دارد، که نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که مطالب را آموزش می‌دهند بهتر از دانش‌آموزانی که صرفاً آن را مطالعه می‌کنند، آن را حفظ می‌کنند.

بار شناختی مورد نیاز برای فهمیدن چگونگی توضیح دادن چیزی به شخص دیگری، پردازش عمیق‌تر، سازماندهی بهتر و شناسایی شکاف‌های دانش را مجبور می‌کند.

من در ۶ ماه اول نوشتن آنلاین بیشتر از همیشه در مدرسه یاد گرفتم. من اغراق می‌کنم، اما منظورم این است که در مورد چیزهایی که به آن‌ها اهمیت می‌دهم خیلی بیشتر یاد گرفتم. می‌توانستم احساس کنم که ذهنم در حال تغییر شکل است، و نزدیک‌تر بودم که شبیه متفکرانی شوم که وقتی بزرگ شدم آن‌ها را تحسین می‌کردم. خود کوچک‌ترم فکر می‌کرد که مغزم آنقدر گنگ است که نمی‌توانم هوشمندانه صحبت کنم. معلوم شد، من فقط تمرین نکردم. آخر، نوشتن مطالبی را می‌طلبد که شما درک کنید. به چیزی می‌خونی احساس می‌کنید که آن را دریافت کرده

اید. سعی کنید در مورد آن بنویسید. متوجه می‌شوید که نمی‌توانید. اکثر مردم فکر می‌کنند به این دلیل است که آن‌ها "صلاحیت" نوشتن در مورد موضوع را ندارند، که این امر مزخرف است. شما می‌توانید در مورد یک ایده بنویسید درست مانند هر شخص دیگری در سیاره زمین. شما فقط از ترس اینکه ایده‌های خود را در مقابل دیگران قرار دهید، دروازه بان‌های نامرئی ایجاد می‌کنید. اما اکنون شما دقیقاً می‌دانید که درک شما از کجا می‌شکند. آن وقت است که برمی‌گردی و یاد می‌گیری. شما تحقیق کنید سپس به نوشتن ادامه می‌دهید.

سیستم نوشتاری من برای ساختن ایده‌هایی که نمی‌توان از خواندنشان صرف‌نظر کرد

من هرگز منظم‌ترین فرد نبوده‌ام. من برنامه‌های مغز دوم را امتحان کردم. من سعی کردم همه‌چیز را در داخل هوش مصنوعی انجام دهم. اما من همیشه متوجه شدم که به یادداشت کردن ایده‌ها در یک یادداشت طولانی مدت برمی‌گردم. البته، ایده‌ها همیشه گم می‌شوند، اما من آن را مشکلی نمی‌بینم. اگر لازم است آن را به خاطر بسپارید، مهم نیست، و اگر مهم است، آن را به خاطر خواهید آورد. من متوجه شده‌ام که نوشته (یا محتوای) عالی که در واقع جذابیت پیدا می‌کند و در سیاهچاله ای که هیچ‌کس به کار شما اهمیت نمی‌دهد ناپدید نمی‌شود، به چند چیز خلاصه می‌شود:

- برای هفته به یک موضوع یا موضوع نیاز دارید
- شما به مکانی برای یادداشت سریع ایده‌ها نیاز دارید
- شما به راهی برای جذب الهام نیاز دارید (پست‌های اجتماعی، ویدیوهای YouTube، مقالات Substack و غیره)

- باید بدانید که چگونه قلاب یا عنوان را بسته‌بندی کنید تا مردم واقعاً بخوانند آن را بخوانند
- در حالی که واقعاً در حال نوشتن یا خلق هستید، باید به‌طور مؤثر از ایده‌ها، الهامات و تحقیقات خود استفاده کنید

این چیزی است که در قالب یک سیستم به نظر می‌رسد. ممکن است پیچیده به نظر برسد، اما ما در پایان به روشی ساده خلاصه می‌کنیم. ۱) چگونه انتخاب کنیم در مورد چه چیزی بنویسم. شما حیوانی نیستید که وقتی در یک طاقچه یا محیطی دیگر قرار می‌گیرند بمیرد، مانند شیری در آلاسکا. شما انسانی هستید که یاد می‌گیرید، می‌سازید و سازگار می‌شوید تا بتوانند در هر جایگاهی پیشرفت کنند. من هنگام انتخاب موضوع بر اساس دو اصل عمل می‌کنم:

- آیا چیزی است که به نظر من مهم است یا ارزش اشتراک گذاری دارد؟ زیرا صرفاً با فیلتر کردن یک ایده از طریق دیدگاه من و عدم فکر کردن به خودم تا حد مرگ، منحصر به فرد می‌شود. من هویت خاصی دارم و احتمالاً با مادران فوتبالیستی که در دهه ۴۰ زندگی‌شان هستند صحبت نمی‌کنم، مهم نیست چقدر تلاش می‌کنم. فقط با صحبت در مورد آنچه که به نظرم ارزش اشتراک گذاری دارد، افرادی را جذب می‌کند که می‌توانم بیشترین تأثیر را داشته باشم.

• • آیا به گونه‌ای بسته‌بندی یا قاب بندی شده است که جلب توجه کند؟ زیرا به عنوان یک نویسنده، این کاری است که شما انجام می‌دهید. شما توجه را جلب می‌کنید، در غیر این صورت نوشته شما خوانده نمی‌شود. روشی که در دنیای امروز انجام می‌دهید، مطالعه آنچه در رسانه‌های اجتماعی کار می‌کند و استفاده از ساختار و اصول در قلاب، عنوان و غیره است.

این رشد رسانه‌های اجتماعی به‌طور خلاصه است. بسیاری از مردم می‌خواهند احساس کنند که نویسنده‌ای فوق‌العاده خلاق هستند و می‌خواهند فوق‌العاده معتبر باشند، بنابراین ایده‌های خود را به گونه‌ای که بازار واقعاً می‌خواهد بسته‌بندی نمی‌کنند، بنابراین هرگز در کارشان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، آن‌ها هرگز دستمزد دریافت نمی‌کنند، زیرا برایشان بد است، بنابراین به کار روی رویاهای دیگران ادامه می‌دهند تا رئیس‌شان بتواند حقوق بگیرد. آن‌ها می‌خواهند به شدت روی مردم تأثیر بگذارند، اما از انجام کاری که این اجازه را می‌دهد خودداری می‌کنند. آن‌ها آن را قربانی بخشی از هویت خود می‌دانند. ساده‌ترین راه برای انجام این کار به شرح زیر است: قبل از نوشتن، درباره آنچه در رسانه‌های اجتماعی کار می‌کند تحقیق کنید. زیرا این به شما نشان می‌دهد که بازار از قبل به چه چیزی توجه کرده است. می‌توانید این کار را فقط با پیمایش رسانه‌های اجتماعی و ذخیره پست‌هایی که به خوبی انجام می‌دهند انجام دهید، یا می‌توانید از یک ابزار تحقیقاتی برای آن استفاده کنید که همه پست‌های با عملکرد برتر را در یک مکان جمع‌آوری می‌کند. به عنوان مثال، این نامه با عنوان "سیستم نوشتاری که مغز من (و آینده من) را نجات داد" است.

من قبلاً این پست را در فید Discover of Eden دیده بودم و آن را در یکی از تابلوهای خود ذخیره کرده بودم، آن را "سیستم نوت بوک که مغز من را نجات داد" نام دارد. به عبارت دیگر، من چیزی را دیدم که مردم قبلاً علامت می‌دادند که می‌خواهند، موضوعی را که می‌خواستم درباره آن بنویسم انتخاب کردم و این دو را با هم ادغام کردم. این زمانی است که از یک تحقیق استفاده می‌کنید /

ابزار کتابخانه الهام بخش مانند Eden

، یا می‌توانید رسانه‌های اجتماعی را به صورت دستی پیمایش کنید و سعی کنید پست‌هایی با عملکرد بالا پیدا کنید. (۲) یک پروژه برای کل هفته ایجاد کنید من هفته ای یک خبرنامه در Substack ارسال می‌کنم. این قطعه طولانی در مقالات X پست می‌شود، به یک اسکریپت نرم یوتیوب تبدیل می‌شود و ویدیوی YouTube در همه پلتفرم‌های پادکست آپلود می‌شود. من هفته‌ای دو بار تلاش کرده‌ام، اما مغز من زمانی بهتر عمل می‌کند که زمان فکر کردن و جمع‌آوری الهامات پیرامون یک موضوع را داشته باشد. کل هفته من حول موضوع می‌چرخد. وقتی کتابی را می‌خوانم، ایده‌های متناسب با موضوع مطرح می‌شود. وقتی به ویدیویی در یوتیوب گوش می‌دهم، همین اتفاق می‌افتد. ایده‌هایی برای آن موضوع به ذهن می‌رسد. این ایده برای موضوعی که در مورد آن می‌نویسم به تحقیق تبدیل می‌شود و خبرنامه منبع پست‌های اجتماعی برای همه پلتفرم‌ها می‌شود. یعنی هفته ای یک قطعه می‌نویسم و برای همه پلتفرم‌ها محتوا می‌شود. این به طرز چشمگیری تفکر من را بهبود بخشیده است، زیرا همیشه پراکنده نیست. این کل سیستم جذب ایده و محتوای من است. واقعاً اینجا چیکار میکنی؟ هفته ای یک مکان برای ذخیره ایده‌ها ایجاد کنید.

من یک تابلو در Eden ایجاد می‌کنم (که در مورد آن زیاد صحبت می‌کنم زیرا این تنها برنامه‌ای است که می‌تواند همه این کارها را در یک مکان انجام دهد)، و اینجا است که ایده‌ها را یادداشت می‌کنم، پیوندهای اجتماعی را جای‌گذاری می‌کنم، مقاله‌ها و ویدئوها را اضافه می‌کنم، و حتی کتاب‌ها را به‌عنوان PDF آپلود می‌کنم تا بتوانم از

هوش مصنوعی بخواهم ایده‌ها را از آن‌ها بیرون بکشد تا مجبور نباشم حتی به صورت دستی در مورد آن‌ها جستجو کنم. من این را در حال حاضر در آن تابلو می‌نویسم. با همه ایده‌ها و الهام‌ها در یک مکان، باز کردن این موضوع در حین نوشتن، یا ایجاد یک چت و اتصال یک پست، PDF، یا پیوند به آن برای بیرون کشیدن ایده آسان می‌شود. اگر زمانی که از رایانه دور هستم ایده‌هایی را پست می‌کنم، فقط آن‌ها را روی صفحه موبایل ذخیره می‌کنم، مانند ویدیوی YouTube که تماشا کرده‌ام، و سپس می‌توانم با آن چت کنم تا ایده‌ای را که می‌خواستم از آن دریافت کنم. توجه: من تابلوهای متعددی به نام‌های «ایده‌های مورد علاقه»، «ایده‌های معتبر» و «ایده‌های شخصی» دارم. من پست‌هایی را که دوست دارم در ایده‌های مورد علاقه ذخیره می‌کنم. من پست‌هایی را که به ایده‌های معتبر تبدیل شده اند ذخیره می‌کنم. یادداشت‌ها یا افکار شخصی را در ایده‌های شخصی ذخیره می‌کنم. ترکیبی از همه اینها یک نوشته عالی ایجاد می‌کند (بله، نویسندگان مورد علاقه شما تحقیق می‌کنند، الهام را حفظ می‌کنند که زندگی آن‌ها به آن بستگی دارد، و آن را با هم مخلوط می‌کنند تا قطعات خود را بنویسند). من می‌توانم با هر یک از آن‌ها چت کنم تا تیترا، زوایای مختلف، یا ایده‌هایی پست کنم که بعداً بتوانم در زمان‌بندی ظاهر شوم. ۳) طرح کلی، بنویسید، و هدف گذاری مجدد من قصد ندارم وارد روند واقعی نوشتن شوم. این یک کل طول می‌کشد

بوت‌کمپ

برای رفتن با این حال، شخصی بهترین خبرنامه‌های من را شکست و آن را به یک خبرنامه تبدیل کرد

اعلانی که به شما کمک می‌کند طرح خود را به شیوه ای جذاب ترسیم کنید

. در مورد آنچه می‌خواهید بنویسید سؤال می‌کند، سپس به شما کمک می‌کند تا ایده‌هایی را جمع آوری کنید که می‌توانند در طرح کلی قرار بگیرند. همانطور که گفته شد، کاری که من انجام می‌دهم این است:

• • من یک تابلو یا مکانی برای ذخیره پست‌ها، ایده‌ها و ویدیوها ایجاد می‌کنم (این بخش تحقیقاتی نوشته من است)

• • من یک سند طرح کلی ایجاد می‌کنم تا شروع به سازماندهی ایده‌ها کنم

• • وقتی می‌نویسم همه اینها را کنارم باز دارم

• • من آن را به عنوان یک مقاله Substack و X پست می‌کنم

• • من یک ساعت و یک روز در هفته را مسدود می‌کنم تا آن را به عنوان یک ویدیوی YouTube ضبط کنم

• • آن ویدیوی YouTube به همه پلتفرم‌های پادکست می‌رود

• • من از مقاله برای ایجاد ایده‌های پست در طول هفته استفاده می‌کنم

• • من Substack خود را چند بار در هفته تحت محتوای دیگر خود تبلیغ می‌کنم تا رشد کند

این کل سیستم است. پیاده‌روی، خواندن و حدود ۶۰ دقیقه نوشتن در روز، پایه و اساس برخی از آینده‌نگرترین مهارت‌ها را تشکیل می‌دهد: یادگیری، تفکر و کسب درآمد (مستقل). من آن را در همین جا می‌گذارم و خوشحالم که در مقالات بعدی بیشتر در این مورد توضیح خواهم داد. - Dan اگر می‌خواهید این نامه‌ها مستقیماً برای شما ارسال شوند، بنابراین اگر الگوریتم آن‌ها را به شما نشان نداد آن‌ها را از دست ندهید، به لیست اینجا بپیوندید -

در اینجا مقاله دیگری نیز وجود دارد که می‌توانید بخوانید.

منبع مقاله

<https://x.com/thedankoe/article/2077513202527773093>